

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وضعیت کنونی برای مسلمانان دردآور و اما آینده مملو از امید برای بازگشت خلافت برمنهج نبوت!

(ترجمه)

اگر به وضعیت کنونی، حالتی که مسلمانان در گروه‌های کوچک، متفرق و درهم شکسته به سر می‌برند، اندک تأمل نماییم در خواهیم یافت که ما به وسیله چیزی به این وضعیت غلبه خواهیم کرد که امت اسلامی در گذشته با آن از عزت و تمکین برخوردار بودند؛ زمانی که ما دولت و خلیفه/امام داشتیم، خلیفه‌ای که به قول رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم؛ ترجمه: «خلیفه/امام سپر است که مسلمانان در عقب آن جنگیده و از خود محافظت می‌نمایند.» اساساً امت اسلامی امت واحد است؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) [انبیاء: 92]

ترجمه: بی تردید این امت شما امتی واحد است، و من پروردگار شما هستم؛ پس تنها من (الله متعال) را عبادت کنید.

امت اسلامی در ترحم و دوستی، مانند: جسد واحد است. چنان که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده است:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ» [مسند احمد]

ترجمه: مثال مسلمانان در دوستی، ترحم و عطف با هم دیگر، مثال یک جسد است.

اما این جسد، مانند جسد انسان هیچ وضعیت و حالت نخواهد داشت، و هیچ شأن و اموری برای آن مرتب نخواهد شد مگر با موجودیت سر آن؛ در سر انسان عقل مدبر و ملوانی است که آن را هدایت می‌کند. بلی! وضعیت ما مسلمانان در گذشته چنین بود، زمانی که ما دولت و خلیفه/امام داشتیم، در آن زمان ما سرور امت‌ها و رهبر آن‌ها بودیم؛ تا این‌که شرق و غرب علیه ما توطئه چید و دولت ما را سرنگون و این کیک را در میان خود تقسیم کردند. اما اکنون گویی که در خانه‌های خود زندانی شده‌ایم، به سان یتیمانی که وارد مهمانی اشخاص خسیس و بخیل شده‌اند ناملازمات ما را در هم می‌شکنند!

در واقع این وضعیت طبیعی و اصلی بهترین امت نیست، که برای هدایت مردم مأمور شده است؛ امتی که اکنون به این وضعیت سردچار شده است. لیکن از غیرممکنات است که این وضعیت تا ابد ادامه یابد، شاید در عقب اندوهی که اکنون ما آن را پشت سر می‌گذاریم، گشایشی قرار داشته باشد.

برای مقایسه‌ی وضعیت کنونی و واقعیتی که ما مسلمانان در زمان خلافت داشتیم با الهام از میراث گذشته‌گان و نیز بشارت نزدیک طلوع ستاره عزت (خلافت راشده برمنهج نبوت) که از وعده‌های الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌باشد، چند سطری را ارائه می‌داریم. چنان که الله متعال می‌فرماید:

(يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) [مائده: 16]

ترجمه: الله متعال وسیله راه‌های نجات و سلامتی را برای کسانی نشان می‌دهد که در پی رضایت او هستند، به اذن خویش آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد، و به راه راست هدایت شان می‌کند.

شاید این کلمات غافلی را بیدار کرده و برای کسانی که دچار فراموشی شده‌اند تذکری باشد؛ همچنان همتی را بر انگیزخته و آتشی را شعله‌ور سازد. اولین موضوعی که ما بالای آن اندکی درنگ خواهیم کرد واقعیت کنونی مسلمانان از لحاظ سیاسی می‌باشد. طوری که مسلمانان در حال حاضر در نهایت ذلت و خواری به سر می‌بریم، حکام دون‌مایه بر ما با زور آهن و

سلاح حکومت می‌کنند، سرزمین‌های ما را پارچه‌پارچه نموده و به بدترین حالت مسلمانان را مورد شکنجه قرار می‌دهند؛ بزرگان ما را مورد تعقیب قرار داده و صادقین و کسانی که برای نصرت دین الله متعال تلاش می‌نمایند، بازداشت می‌کنند. مسلمانان از زمره کسانی قرار گرفتند که همواره کشته شده و آواره می‌شوند. چنانچه به نام جهان سومی دسته‌بندی شده، صندوق بین‌المللی پول و شریعت طاغوت عصر یعنی سازمان ملل تحت رهبری سرکرده کفر (امریکا) به آنان دستور داده و کمک می‌کند. در واقع هیچ جایگاهی برای مسلمانان در میان ملت‌ها و دولت‌های دیگر باقی نمانده است. در حالی که دولت مسلمانان در مدت شانزده قرن، دولت اول جهان به شمار می‌رفت. قانون چیزی بود که دولت خلافت می‌گفت، و تصمیم آنچه بود که دولت خلافت می‌خواست؛ تا این‌که آن دولت را سقوط دادند، و در میان ما مسلمانان مرزها، جنگ‌ها، قطع صلح‌ها، بغض، نفرت و لانه‌های توطئه همچون ملیت‌گرایی، وطن پرستی، نزاع و کشمکش را طرح و عملی کردند.

زمانی که به اذن الله سبحانه و تعالی آن دولت و عزت از دست رفته باز گردانیده خواهد شد، آن زمان است که هیبت و قدرت مسلمانان باز خواهد گشت. دولت عزت‌مندی که پرچم عقابش بار دیگر در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی به اهتزاز در خواهد آمد. در آن زمان مسلمانان و حتا غیرمسلمانان از عدل اسلام بهره‌مند خواهند شد؛ چنانچه کفاری که از سیطره‌ی حکام شان رنج می‌برند دولت خلافت از آن‌ها دفاع خواهد کرد. تا جایی که ممکن برای تحقق انصاف در حق آن‌ها وارد میدان‌های جنگ شود. زیرا دولت خلافت واقعا دولت عدل و عدالت است، و نیز اسلام دین رحمت برای تمام بشریت می‌باشد. در آن زمان هیچ پیمان و توافق‌نامه‌ی نخواهد بود، مگر تحت شرایطی که خلیفه آن را وضع نماید. یعنی معاهده‌های دائمی و افتادن در گودال‌های دولت‌ها به سانی که اکنون به چشم می‌خورد، وجود نخواهد داشت.

اما از لحاظ اقتصادی: در حال حاضر اکثریت قریب به کل مسلمانان در فقر و تنگدستی شدید به سر می‌برند. بسیاری از آنان شب و روز برای تامین معاش خود تلاش می‌کنند، اکثریت آنان حتی نمی‌توانند نیازهای اولیه خود را تامین نمایند، چه رسد به امکانات رفاهی. چنان که از جانب دولت‌های حاکم بر آنان مالیات گوناگون وضع می‌شود، و از تجار مالیات (مکس) می‌گیرند تا حدی که تجار و ادار می‌شود که این مالیات را از جیب مردم جبران نمایند؛ کاری که باعث افزایش قیمت‌ها و فساد زیاد می‌گردد. حتی برخی کشورها با وجود ثروت زیاد شان دچار قحطی می‌شوند. اگر دولت خلافت را می‌داشتیم که به امور ما رسیدگی می‌کرد، دیده می‌شد که اکثر مردم تلاش چندان برای بدست آوردن مال و روزی نمی‌کردند؛ زیرا در دولت خلافت برای هر یکی از افراد در اموال زکات، فی، غنیمت، زیرخاکی، صدقه و در ملکیت‌های عمومی سهمی وجود دارد. چنانچه رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«النَّاسُ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: الْمَاءِ وَالْكَأْلِ وَالنَّارِ»

ترجمه: مردم در سه چیز شریک اند: آب، چراگاه و آتش.

در واقع اسلام حتی مفاهیمی را ایجاد کرده است که به التیام هر شکافی حتی در سطح فردی کمک می‌کند، و مسلمانان را یک جسم واحد و یک بدن واحد می‌سازد. در چنین یک شرایط ثروتمندان به فقرا از مال شان کمک می‌کند. چنان که رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ مَعَهُ فَضْلٌ ظَهَرَ فَلْيُعْذُ بِهِ عَلَى مَنْ لَا ظَهَرَ لَهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ مِنْ زَادٍ فَلْيُعْذُ بِهِ عَلَى مَنْ لَا زَادَ لَهُ»

ترجمه: کسی که طعام اضافه دارد به کسی که طعام ندارد بدهد، و هر کس که توشه‌ی زیاد دارد به کسی که توشه‌ی ندارد بدهد.

و در جای دیگر چنین می‌فرماید:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانَ وَجَارَهُ جَانِعٌ إِلَى جَنْبِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهِ»

ترجمه: کسی که باشکم سیر می‌خوابد درحالی که همسایه‌اش در کنار او گرسنه است، و او از این حالش آگاه می‌باشد، به من ایمان ندارد.

به راستی که پیوند دادن این مسئله به ایمان، انگیزه‌ی کار را شعله‌ور می‌سازد. اما در آینده‌ی نزدیک که به اذن الله سبحانه و تعالی خلافت برمنهج نبوت اقامه خواهد شد، در آن روزها این فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی محقق خواهد شد:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) [اعراف:96]

ترجمه: اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوی پیشه می‌کردند، برکت‌های آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.

آیا مناطق وسیعی را به وسعت تقریباً سی میلیون کیلومتر مربع خواهید یافت که تبدیل به یک کشور واحدی شده که دارای یک دولت می‌باشد؛ سرزمینی که در آن میلیون‌ها و میلیون‌ها بشکه نفت، برای رفع نیازمندی‌های مردم استخراج شده است؛ سرزمینی مملو از معادن فسفات، آهن، فولاد، منیزیم، و سایر مواد معدنی؛ سرزمینی مملو از معادن، طلا و نقره (دو فلزی که قیمت و بهایی هرچیز است)؛ سرزمینی دارای انرژی آفتاب، انرژی باد، راکتورهای هسته‌ای و ثروت‌های عظیم دیگر که با استفاده از آن مردم در رفاه شگفت‌انگیزی زندگی خواهند کرد.

در این سرزمین، مکانیزاسیون کشاورزی/زراعت و ماشین‌آلات عظیم صنعتی راه‌اندازی شده و زمین‌های مرده اصلاح و احیاء خواهد گردید، مزارع، باغ‌های میوه، خراج‌ها و عشرها در آن سرازیر خواهد شد، کوه‌ها مزروع گردیده حتی در مورد بیابان‌ها نیز چاره‌اندیشی می‌شود. در آن زمان مسلمانان گندم‌ها را بر فراز کوه‌ها خواهند پاشاند تا نگویند پرندگان در سرزمین مسلمانان گرسنه‌اند. این سیاست و برنامه‌ی اقتصادی عملاً در زمان خلافت عباسی و مشخصاً در زمان خلافت هارون الرشید انجام شده بود. چنان که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ) [فصلت:10]

ترجمه: در زمین برکت بخشید و قوت و غذایی آن را در چهار روز به قدر حاجت نیازمندان تقدیر کرد.

اما از لحاظ **طبی/پزشکی**: در جغرافیای دولت خلافت شفاخانه‌ها و مراکز درمانی وجود داشته، تداوی و داروی رایگان برای تبعه دولت ارائه می‌شود. صنایع دارویی منظوقی با قابلیت پوشش تمام اماکن تحت حاکمیت دولت ایجاد خواهد شد. قابلیت‌های برای مواقع اضطراری، زلزله‌ها و مصیبت‌های دیگر، تیم‌های برای نجات و تیم‌های برای مراقبت، تیم‌های برای انتقالات و تیم‌های برای انجام وظایف دیگر و... بهترین داکتران/پزشکان در آن شفاخانه‌ها/بیمارستان‌ها به کار گماشته خواهند شد. اگر امروز در سرزمین‌های ما داکتران/پزشکان ماهر وجود ندارد، دلیل آن این است که بسیاری از داکتران/پزشکان ماهر از فرزندان مسلمانان از گرسنگی، ظلم و بی‌عدالتی جنایتکاران از سرزمین‌های اسلامی فرار نموده و غرب آنان را با معاش بلند برای خود جذب به کار گماشته است.

ما صفحات تاریخ را داریم که در آن توجه و علائق زیاد به مسایل **طبی/پزشکی** داشتیم و داریم؛ زیرا دولت خلافت آخرین تجهیزات **طبی** را خریداری و افرادی را که می‌خواهند این تجهیزات را خریداری کنند نیز همکاری خواهد کرد. در دولت خلافت هرگز ماسک‌های وقایوی اختکار نمی‌شود، مانند: کشمکش‌ها و توطئه‌های دولت‌ها که در زمان بیماری همه‌گیری کرونا برای اختکار ماسک‌های وقایوی داشتند. بناً هرگز نخواهیم دید که سربازان مجروح در میدان نبرد رها شده و از خدمات ضعیف **طبی/پزشکی** رنج برده و شکایت داشته باشند؛ مانند آنچه که طاغوت شام (بشار اسد) انجام داد و سربازان مجروح‌اش را در میدان رها کرد. سربازانی که برای دفاع از رژیم هرزه‌ای آن مجروح شده بودند. یا مانند ناپلئون که سربازان مجروح خود را در لشکرکشی به مصر در میدان رها کرد تا منتظر مرگ باشند که برای رهایی از درد انتظارش را داشتند. همچنان صفحات سیاه دیگر مانند این دولت‌ها!

اگر به صفحات شکوهمند خود در زمانی که دولت داشتیم برگردیم، در آن پیرامون شفاخانه‌ها/بیمارستان‌ها در گوشه‌گوشه‌ی سرزمین‌های اسلامی خواهیم خواند، و داکتران/پزشکان ماهری را خواهیم یافت که اساس نهضت طبی/پزشکی را بنا گذاشتند که اکنون می‌بینیم؛ مانند: ابن سینا و بسیاری از داکتران/پزشکان ماهر دیگر. در این صفحات خواهیم خواند که درمان بیماران به صورت رایگان و یا تقریباً رایگان خواهد بود. چنانچه تحقیقات طبی/پزشکی، اکتشافات، داروها و ماشین‌های جراحی پیشرفته و با آخرین فناوری‌ها را خواهیم داشت، و این به زودی حتی بیشتر خواهد شد. ان‌شاءالله

اما در زمینه علم: اولین آیه‌ای که بر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نازل شد «اقراء» بود. این آیه دلالت بر اهمیت خواندن، دانش و تحصیل دارد. چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) [زمر: 9]

ترجمه: بگو؛ آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، برابر اند؟

(فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) [نحل: 43]

ترجمه: پس اگر نمی‌دانید از اهل علم (آگاهان و علماء) بپرسید.

هر میدانی اهل خود را دارد، و آیات فوق بر وجوب سؤال کسانی که نمی‌دانند، از کسانی که می‌دانند دلالت می‌کند، و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنِّي إِلَّا عَالِمٌ أَوْ مُتَعَلِّمٌ»

ترجمه: جز عالم و یا متعلم کسی دیگری از من نیست.

و در جای دیگر نیز می‌فرماید:

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ»

ترجمه: کسی که راهی را برای علم و دانش طی می‌کند، الله متعال با آن راه رسیدن به جنت را برای او آسان می‌نماید.

مسلمانان امروز در معرض سیاست‌های جهل سیستماتیک قرار دارند، و هر کس که به دنبال علم برود، مسیر آن به سوی مهاجرت، به حاشیه رفتن و نابودی است. بنابر این ما در زیر چتر حاکمیت خلافت، توجه و اهتمام ویژه به علم و آموزش خواهیم داشت، همان‌طور به منهج‌های تعلیمی مبتنی بر عقیده اسلامی؛ دولت خلافت با تدریس ثقافت اسلامی فرزندان امت را از همان اوان خردی عالم تربیه خواهد نمود و در زیر بال دولت بدون شک علماء کیمیا، فزیک و... پرورش خواهند یافت. شما شاهد اختراعات، کاشفان و بهترین آزمایشگاه‌ها خواهید بود، شاهد پوهنتون‌ها/دانشگاه‌هایی که چراغ نسل‌ها خواهند بود که غرب و شرق برای آموزش در آن‌ها التماس کنند. همان‌طور که در گذشته چنین بود، چنانچه پادشاه آلمان برای خلیفه در اندلس نامه‌ی را مملو از اظهار دوستی و سپاس‌گذاری می‌فرستد و گروهی از دختران آلمان را به سرکردگی دختر پادشاه به اندلس ارسال داشته و خواستار اجازه تحصیل در پوهنتون‌ها/دانشگاه‌های قرطبه و سایر شهرهای مسلمان‌نشین اندلس می‌شود.

برعکس آنچه که این روزها و در این عصر می‌بینیم که اهل علم از جنبه تطبیقی دور می‌شوند، مگر اندکی؛ تا جایی که اگر در بین اهل علم کسانی به درجات برتری دست می‌آید، یا در حالت جمود قرار می‌گیرند و یا تحت فشار قرار گرفته و به سرزمین‌های دیگران سفر می‌نمایند؛ تا جایی که حتی در مواردی کشته می‌شوند. همچنان در زیر چتر دولت خلافت تکنولوژی

و دنیای دیجیتال را خواهید دید که در راستای اطاعت از الله سبحانه و تعالی از آنان کار گرفته می‌شود، نه برای جاسوسی از بندگان الله متعال و نه برای گسترش فساد و تباهی بشر.

اما از لحاظ اجتماعی: شاهد خواهیم بود که آبروها و نسب‌ها محفوظ می‌مانند، ما انسان‌ها بی‌خانمان و بی‌اصل و نسب و بدون پدر و مادر را نخواهیم یافت، افراد مجهول‌الهویت و ولد الزناء را در دولت خلافت نخواهیم شناخت، همان‌گونه که امروز در غرب شاهد آن هستیم. هر کس دو روزی را با برخی از مسلمانان راه رفته باشد، خواهد دانست که که زن -مادر، صاحب خانه و آبروی هست که واجب می‌باشد تا از آن پاسبانی شود- عفت، پاکدامندی و حیاء از لباس مان فواره می‌کند، اختلاط زن و مرد و ازدواج‌های مدنی، مساکن و روابط خارج از چارچوب ازدواج شرعی نخواهیم داشت. ما کسانی را در دولت خلافت خواهیم داشت که از ناموس مسلمانان دفاع می‌کند، مانند کسی که لشکری را برای حمایت از یک زنی که فریاد «واه معتصیماه» سر داد، عازم جنگ نمود؛ چنانچه در نتیجه 90 هزار نفر را کشته و عموریه را فتح کرد.

زیر حاکمیت و در فضای دولت خلافت نگاه‌ها را پایین می‌گیریم و دامن مان را از ناپاکی حفظ می‌نمایم، اسلام را در کوچک‌ترین جزئیات زندگی رعایت می‌کنیم، حتی در سطح پذیرایی از مهمان. همان‌طور که اشاره شد مسلمانان در زمان خلافت عثمانی برای دروازه هر خانه دو کوب/زنگ می‌گذاشتند، یکی بزرگ و دیگری کوچک، اگر کوب/زنگ بزرگ را می‌زدند، اهل خانه می‌فهمیدند که کوبنده مرد است، پس مرد خانه دروازه را برای او باز می‌کرد، اگر کوب کوچک را می‌زدند، اهل خانه متوجه می‌شدند که کوبنده زن است، پس برخی از زنان خانه دروازه را برای او باز می‌نمودند.

مسلمانان در دوران خلافت عثمانی از خانه‌ای رد می‌شدند، اگر دسته‌گل سرخی را بر در خانه می‌یافتند، می‌فهمیدند که در آن خانه مریضی است، برای این‌که باعث آزار مریض نشوند در راه صدا بلندی نمی‌کردند، درحالی که در آن زمان معاهده «سیداو»، آزادی زنان، حقوق طفل که به آن فخر فروشی می‌کنند وجود نداشت؛ معاهده‌ها و ادعاهای آزادی شخصی که جز نشر فساد و زدالت و از همپاشاندن خانواده‌ها و انتشار زنا، ترویج همجنس‌گرایی و ازدواج با حیوانات، هدف دیگری ندارند.

اما در بخش نظامی: ارتش‌های بزرگ میلیونی خواهیم داشت، حتی ده‌ها میلیون و بیشتر از آن در مواقعی که نیاز به بسیج و نفیر عام باشد. ارتش‌های آموزش دیده و توسعه یافته با جدیدترین سلاح‌ها، مجهز برای پاسداری و دفاع از جان، مال و عزت مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، در آن زمان است که این عبارت را خواهیم شنید: "اگر ساکت نمانید برای شما لشکری می‌فرستیم که آغاز آن نزد تو و پایانش نزد من باشد. برای این‌که سرأت را نزد من بیاورند تا برای علی تقدیم کنم!" و به زودی امیر این لشکر چنین خواهد گفت: "من با قومی نزد شما آمدم که مرگ را چنان دوست دارند که شما زندگی را دوست دارید!" لشکر یهودی را نخواهیم یافت که از راه رسیده و در سرزمین اسلامی بالای مسلمانان به نادرستی نگاه کند، همچنان قتل‌عام و عیاشی راهاندازی نماید، آنهم با هماهنگی یکی و یا چندی از حکام فرومایه‌ی مسلمانان! این در واقع ممکن نیست که یهود چنین کند. به زودی فلسطین در زیر چتر و بال خلافت درآمده و ریشه‌ی یهود برکنده خواهد شد، و این حکام خائن و جنایت‌کار به زباله‌دانی تاریخ فرستاده خواهند شد. چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَلْحَمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) [انعام:45]

ترجمه: پس بنیان و ریشه‌ی ستمکاران برکنده شد، و ستایش الله متعال که پروردگار جهانیان است.

واحدهای نظامی، تانک‌ها، موشک‌ها، توپخانه‌ها و ماشین‌های جنگی وجود خواهند داشت، کارخانه‌های صنعتی در دولت خلافت بر اساس سیاست جنگی پایه‌گذاری خواهد شد. حتی اگر این کارخانه‌جات غذایی، دارویی و یا مانند آن باشد. طیاره‌های جنایت‌کاران در فضای ما دیگر پرواز نخواهند کرد، و جرئت بمباردمان و ترساندن ما را نخواهند داشت. ما از کسانی که به قتل‌عام پرداخته و مقدسات مان را هتک حرمت کرده‌اند انتقام خواهیم گرفت. ما به زودی به روزگاری باز خواهیم گشت که در حین عبور کشتی‌های عثمانی از بوسفور جرس‌های کنیسه‌های غرب از ترس و هیبت شان ساکت می‌شدند.

ما در زیر چتر حاکمیت خلافت زیردریایی‌ها و نفtekش‌های را خواهیم داشت که در دریاها شنا می‌زنند؛ کسی را پیدا نمی‌کنید که جرأت نزدیک شدن به آب‌های اقلیمی را داشته باشند. در دریا‌های آزاد ثروت هنگفتی را خواهید یافت که پس از ده‌ها سال غارت و دزدی، به مسلمانان باز می‌گردند. آب دریاها نم‌زدایی شده و برای شرب و آبیاری آماده خواهند شد. بلی! این نمونه‌ی از خروار است. به راستی نمی‌توان بحر بزرگی را از بخشش‌های فراوانی که الله سبحانه و تعالی در حینی که ما شریعتش را حاکم نموده و به او امرش ملتزم می‌شویم برای ما ارزانی می‌دارد، در قالب چند کلمه جا داد.

از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که دین ما را تمکین بخشیده، ترس مان را به امنیت تبدیل و خلافت برمنهج نبوت را اقامه دارد. روزی را که ما با اشتیاق بسیار زیاد انتظارش را داریم.

بار الها! برای رسیدن آن روز از ما کار بگیر و جایگزین مان مکن، ما را برای این کار برگزین و دیگران را بر ما ترجیح نده، هدایت مان کرده و ما را وسیله هدایت دیگران نما؛ ما را از هدایت یافتگان هدایت‌گر قرار ده. بلی! الله سبحانه و تعالی چه زیبا می‌فرماید:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) [تور: 55]

ترجمه: الله متعال به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کردند وعده داده است که بی‌گمان آنان را در روی زمین خلیفه قرار می‌دهد، همان‌گونه که پیشینیان شان را خلیفه قرار داده بود. دینی که برای شان پسندیده است را تمکین می‌بخشد، ترس شان را واپس به امنیت تبدیل می‌کند. آنان من (الله متعال) را عبادت کرده چیزی را با او شریک نمی‌سازند، و کسانی که بعد از این کفران کنند، آنان همان فاسقان هستند.

برگرفته شده از شماره 447 مجله «الوعی» ربیع الآخر 1445 ه.ق مصادف به نوامبر 2023 م

نویسنده: عامر سالم أبو عبیده

مترجم: محمد علی مطمئن